

## بررسی و مقایسه منبع کنترل و رضایت زناشویی در بین زنان شاغل (معلم) و خانه‌دار شهر تهران

نوشته زهرا فراست<sup>(۱)</sup>

کارشناس ارشد مشاوره

دکتر شکوه نوایی نژاد

عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت معلم

دکتر باقر ثنائی

عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت معلم

### چکیده

پژوهش حاضر به منظور بررسی و مقایسه منبع کنترل و رضایت زناشویی در بین زنان شاغل و خانه‌دار صورت گرفته است. هدف از اجرای این پژوهش، بررسی تأثیر منبع کنترل بر رضایت زناشویی زنان شاغل و خانه‌دار و مقایسه هر یک از این متغیرها در بین این دو گروه بوده است. و جامعه پژوهش شامل کلیه معلمان شاغل در دبیرستان و زنان خانه‌دار شهر تهران بوده است. نمونه تحقیق ۲۰۰ نفر زنان شاغل (معلم) و خانه‌دار که از طریق مراجعه به دبیرستانهای ۵ منطقه آموزش و پرورش تهران به شیوه خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. ابزار پژوهش شامل دو پرسش‌نامه منبع کنترل راتر (I-E) و رضایت زناشویی (Enrich) بود. جهت تجزیه و تحلیل یافته‌ها، علاوه بر روشهای آمار توصیفی از آزمون t و تحلیل واریانس یک طرفه استفاده شد. در نهایت، تحلیل آماری بر روی داده‌های این پژوهش نشان می‌داد که بین منبع کنترل و رضایت زناشویی در زنان

۱. راهنمای پژوهش دکتر باقر ثنائی و مشاور دکتر شکوه نوایی نژاد

شاغل و خانه‌دار رابطه معناداری وجود ندارد از طرف دیگر، یافته‌ها نشان می‌دهد که بین منبع کنترل زنان شاغل و خانه‌دار تفاوت معنادار وجود دارد مبنی بر اینکه زنان خانه‌دار، منبع کنترل بیرونی‌تری نسبت به زنان شاغل داشتند. همچنین نتایج حاکی از این است که بین میزان رضایت زناشویی زنان شاغل و خانه‌دار تفاوت معناداری وجود دارد و زنان خانه‌دار رضایت بیشتری از زندگی زناشویی خود دارند. اما در سایر ابعاد یعنی تأثیر سن، تعداد فرزندان، مدت ازدواج و میزان درآمد خانواده بر رضایت زناشویی تأثیر معناداری به دست نیامد.

## مقدمه

خانواده یکی از مهمترین نهادهای اجتماعی است، که بر پایه ازدواج قرار گرفته است. در بین نهادهای مختلف جامعه، کانون مقدس خانواده بهترین مکان برای تربیت جسم و روان است. کودکان با پرورش یافتن در خانه‌ای که رنگ و بوی صمیمیت دارد از رشد مطلوب برخوردار و نهایتاً عضو سالمی از جامعه خواهند شد. جامعه‌ای که خانواده تأمین کننده سلامت آن خواهد بود. خانواده نه تنها محیطی است که فرد را از لحاظ اجتماعی حمایت و پشتیبانی می‌کند بلکه کانون اخلاق و مهد عواطف و علائق انسانها است. خانواده کانون نوع دوستی و یگانگی زن و مرد می‌باشد و بهترین فرصت را برای اتفاق و اتحاد بر اساس صمیمیت هر چه بیشتر و دوام هر چه فزونتر اخلاقی، جسمانی، روانی و اخلاقی به وجود می‌آورد. (ابراهیمی بختور، ۱۳۶۴)

رخدادها و تحولاتی که امروزه در زمینه‌های مختلف اتفاق افتاده، بر ابعاد و جوانب مختلف زندگی تأثیری عمیق گذاشته به نحوی که شیوه زندگی و طرز فکر به دنبال آن تغییر کرده و اندیشه‌های جدیدی را پدید آورده است. از جمله نهادهایی که تحت تأثیر این تحولات قرار گرفته، خانواده می‌باشد.

در حقیقت پیشرفت علم و تکنولوژی نه تنها خانواده ایرانی را از لحاظ شیوه زندگی، روابط خانوادگی، تعاملات اجتماعی، نگرشها و علائق نسبت به امور اجتماعی تغییر داده است، بلکه اشتغال زنان را نیز موجب شده، به طوری که فعالیت زنان خارج از چهارچوب خانواده در طی چند دهه گذشته به ویژه در جوامع شهری تدریجاً اهمیت یافته و مسائلی را در زمینه رضامندی از زندگی زناشویی ایجاد کرده است. از طرفی پایداری و ثبات نقش و

کارکرد زنان خانه‌دار در کنار زنان شاغل باعث ایجاد مقایسه‌های احتمالی بین آنها در تأیید یا رد اشتغال یا خانه دار بودن صرف و ایجاد اثرات مثبت و منفی بر رضایت از زندگی زنان خانه‌دار شده است. بنابراین به دلیل اهمیت ویژه خانواده، محققین درصدد کشف راز و رمزهایی هستند که موجبات رضامندی زناشویی زنان را فراهم می‌سازد. گروهی از محققین، دانشمندان علوم رفتاری هستند که به خانواده، دوستیها، عشق و ازدواج به عنوان هدفی برای تحقیق نگاه می‌کنند. گروهی دیگر، محققین در زمینه مسائل خانوادگی هستند که معتقدند با شناخت دقیق اثرات اشتغال و نگرش‌های مختلف زنان نسبت به زندگی زناشویی و با آگاهی یافتن از عوامل درون فردی که بر رفتارهای بین فردی تأثیر می‌گذارد می‌توان جهت بالا بردن رضایت زناشویی زنان گامهای مؤثرتری برداشت. یکی از این عوامل درون فردی، مسائل مربوط به شناخت می‌باشد. از جمله موارد شناختی که اخیراً در روان‌شناسی توجه زیادی را به خود جلب کرده است، موضوع اسناد و کانون کنترل است که در این خصوص می‌توان به تحقیقات آگوستینی و اسپانهل<sup>(۱)</sup> (۱۹۹۳) اشاره کرد که ارتباط بین رضایت از زناشویی و منبع کنترل را مورد بررسی قرار داده‌اند، نتایج نشان می‌دهد که باگذشت زمان، منبع کنترل زوجها درونی‌تر می‌شود، همچنین افراد دارای منبع کنترل درونی دارای رضایت بیشتری از زندگی زناشویی خود در مقایسه با افراد دارای منبع کنترل بیرونی بودند.

در تحقیق دیگری ارتباط منبع کنترل و رضایت از زندگی زناشویی در زنان روستایی و همسران آنها توسط هوگان یون مین (۱۹۹۲) به نقل از سلیمان نژاد (۱۳۷۹) مورد بررسی قرار گرفت و نتایج نشان داد که سن و منبع کنترل نشان دهنده مناسب ادراک لیاقت برای زنان و مردان بوده است. شاغل بودن برای زنان یک عامل پیش‌بینی کننده منبع کنترل درونی است و با توجه به اینکه دوستی و بیگانگی بین زن و شوهر تنها عامل مهم و برجسته رضایت از زناشویی در زنان و مردان بوده است، در نهایت هیچگونه رابطه دو جانبه بین رضایت از زناشویی و ادراک از منبع کنترل مشاهده نشد. نکته مهم دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد این است که هر چند اشتغال تأثیرات مثبتی بر ویژگی‌های شخصیتی زنان می‌گذارد ولی بعد دیگر اشتغال زنان که اهمیتی بسیار دارد طبق نظر برک و ویر به نقل از حسن شاهی (۱۳۷۸)

۱- Agostini and spanhol

فرسودگی زنان شاغل و رضایت زناشویی کمتر آنها نسبت به زنان غیر شاغل است. در حقیقت با اعتقاد به تأثیر سبک اسناد بر زمینه‌های مختلف سلامت روانی و اینکه منبع علیت یک خصیصه پایدار شخصیتی نیست و ممکن است بر اثر دگرگونی‌های شرایط تغییر کند، توجه به رشد و گسترش تکنولوژی و تغییراتی که در شیوه زندگی زنان شاغل و خانه‌دار ایجاد شده، پژوهشگر را بر آن داشت که به بررسی رضامندی زناشویی با توجه به نوع منبع کنترل در زنان شاغل و خانه‌دار پردازد تا یافته‌های حاصل از این پژوهش بتواند راههایی را برای سازگاری همسران، راهبردهایی را برای مراکز مشاوره خانواده و اقداماتی را برای داشتن جامعه‌ای سالم به دنبال داشته باشد و نهایتاً با توجه به اینکه خودشناسی و شناخت ویژگی‌های همسر، نخستین گام به سوی صمیمیت است و برای رسیدن به آن زوجین باید که همدیگر را خوب بشناسند شاید بتوان گفت که هدف دوم از انجام این تحقیق، آگاهی دادن به مردان جامعه است تا از طریق شناخت شرایط روحی و ویژگی‌های شخصیتی همسران خود، آنان را بهتر درک کرده و در نتیجه به برقراری جو خانوادگی سالم و مستحکم کمک کنند.

### سابقه تحقیق:

درباره رضامندی زناشویی و همچنین منبع کنترل زنان شاغل و خانه‌دار تحقیقاتی صورت گرفته است که در ادامه به تعدادی از آنها اشاره می‌شود:

ماری لیا و کولیتا<sup>(۱)</sup> (۱۹۹۳) طی یک پژوهش در برزیل رضایت از زندگی زناشویی را در سه مرحله زمانی، گذشته، حال و آینده در رابطه با منبع کنترل مورد بررسی قرار دادند. آزمودنی‌های آنها شامل ۹۳ مرد و ۷۶ زن بودند که حداقل ۳ سال از ازدواجشان گذشته بود، نمرات بر اساس طول مدت ازدواج، سن و میزان منبع کنترل مورد ارزیابی قرار گرفت نتایج نشان داد که بین منبع کنترل و رضایت از زناشویی در زمانهای حال، گذشته و آینده رابطه معناداری وجود دارد.

دی میتروسکی<sup>(۲)</sup> و همکاران (۱۹۹۴) به نقل از شبانی حصار (۱۳۷۹) ارتباط بین رضایت از زناشویی و منبع کنترل و افسردگی را در بین زنان، مورد مطالعه قرار دادند. نتایج

۱- Marelia and colita

۲- Dimitrovesky

پژوهش آنان نشان داد زنانی که دارای منبع کنترل بیرونی بودند پس از ازدواج کمتر از زنان دارای منبع کنترل درونی از ازدواجشان رضایت داشتند. همچنین یک همبستگی ضعیف اما معناداری بین کنترل بیرونی‌ها و میزان افسردگی وجود دارد.

در تحقیق دیگر توسط مادن<sup>(۱)</sup> به نقل از حسن شاهی (۱۳۷۸) مسأله رضایت از زندگی زناشویی و نگرش زنان در رابطه با منبع کنترل مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد که نگرش‌های جنسی با رضایت از زناشویی ارتباط دارد. وی همچنین نشان داد که ادراک کنترل در زنان با رضایت از زناشویی آنان ارتباط دارد. یعنی اعمالی که خارج از کنترل زنان است نقش مهمی در رضایت از زناشویی دارد؛ به عبارتی افرادی که دارای منبع کنترل بیرونی‌تری هستند میزان رضایت کمتری دارند.

در تحقیقی که دیوید هال<sup>(۲)</sup> (۱۹۹۶) تحت عنوان فشار شغلی، فشار روانی و مشکلات سلامت جسمی در زنان شاغل تمام وقت و زنان خانه‌دار انجام داد، به این نتیجه رسید که با افزایش سنگینی نقش در زنان شاغل، نارضایتی‌های زناشویی نیز فزونی می‌یابد. ویلیام ساکو<sup>(۳)</sup> (۱۹۹۲) از تحقیقات خود نتیجه گرفت که زنان شاغلی که به طور نیمه وقت به کار اشتغال دارند از نظر میزان رضامندی زناشویی در سطح بالاتری از زنان خانه‌دار قرار دارند و در مقابل زنان شاغلی که به طور شیفته و شبها مشغول به کار هستند، نسبت به زنان شاغل دیگر رضامندی زناشویی پایین‌تری دارند. فراست و کلایسون (۱۹۹۱) به نقل از حافظ شریاف (۱۳۷۹) به بررسی و سنجش میزان عزت‌نفس و استرس مرتبط با رویدادهای زندگی و مکان کنترل در زنان شاغل و خانه‌دار پرداختند. نتایج تحقیق آنها نشان داد که شاغل بودن نه تنها میزان عزت‌نفس و تکیه بر خود زنان را کاهش می‌دهد بلکه سوگیری مکان کنترل آنها را به سوی خارج افزایش می‌دهد. ولی ارتباط معناداری بین شاغل بودن و افزایش میزان استرس به واسطه تجربه تغییرات مهم زندگی وجود نداشت.

۱- Madden

۲- Halle

۳- Sacco

## روش تحقیق:

در پژوهش حاضر که به منظور مقایسه منبع کنترل و رضایت زناشویی در بین زنان شاغل و خانه‌دار شهر تهران انجام گرفته است، از روش علی - مقایسه‌ای استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش کلیه زنان متأهل شاغل (معلم) و خانه‌دار شهر تهران بودند مشروط بر اینکه تا سال (۱۳۷۹-۸۰) حداقل ۳ سال از زندگی مشترکشان گذشته باشد و در دامنه سنی بین ۲۵ تا ۵۵ سالگی قرار داشته باشند؛ همچنین دارای فرزند بوده و سطح تحصیلات آنان از دیپلم تا حداکثر کارشناسی ارشد باشد. در انجام این پژوهش تعداد ۲۰۰ نفر از زنان شاغل (معلم) و خانه‌دار همکاری داشته‌اند که ۱۰۰ نفر از آنان را زنان شاغل و ۱۰۰ نفر را زنان خانه‌دار تشکیل می‌دادند. جهت انتخاب آزمودنی‌ها از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای و در مرحله آخر از روش تصادفی ساده استفاده شده است.

## ابزار اندازه‌گیری:

به منظور انجام پژوهش حاضر از دو پرسشنامه: ۱ پرسشنامه رضامندی زناشویی (Enrich)، ۲ پرسشنامه منبع کنترل راتر (I-E) استفاده شده است. لازم به ذکر است که پرسشنامه‌های فوق به صورت انفرادی توسط آزمودنیها تکمیل گردید.

### ۱- پرسشنامه رضامندی زناشویی (Enrich)

پرسشنامه مذکور ترجمه شده متن اصلی پرسشنامه (Enrich) است که توسط اولسون، فورنیر و دراکمن (۱۹۸۳) طراحی گردیده است و در سال (۱۹۸۹) از نظر اعتبار و روایی توسط اولسون و فاووز مورد ارزیابی مجدد قرار گرفت. طراحان پرسشنامه مذکور بر این باورند که این مقیاس مربوط به تغییراتی می‌شود که در طول دوره حیات آدمی رخ می‌دهد و به تغییرات خانواده حساس می‌باشد.

سلیمانیان (۱۳۷۳) توضیح داده است که اصل پرسشنامه دارای ۱۱۵ سؤال بوده و در ۱۲ مقیاس تهیه شده است که پاسخ آنها به صورت ۵ گزینه‌ای: کاملاً موافق، تا حدودی موافق، نه موافق و نه مخالف، تا حدودی مخالف و کاملاً مخالف می‌باشد. پژوهشگر مذکور با توجه به زیاد بودن سؤالهای پرسشنامه (۱۱۵ سؤال) که موجب خستگی بیش از حد آزمودنیها می‌شد،

تصمیم گرفت فرم کوتاهی از آن تهیه کند برای این منظور ابتدا همبستگی هر یک از سؤالات با کل پرسشنامه از طریق ضریب همبستگی محاسبه گردید. سپس ۴۷ سؤال که از همبستگی نسبتاً بالایی برخوردار بودند، انتخاب شدند. بدین ترتیب پس از انتخاب، مجدداً ضریب اعتبار فرم ۴۷ سؤالی بر روی یک گروه ۳۰ نفری، با استفاده از ضریب آلفا محاسبه گردید و ضریب اعتبار ۹۵٪ به دست آمد (شبان‌ی حصار ۱۳۷۹).

پرسشنامه رضایت زناشویی (Enrich) ۴۷ سؤالی از نوع مقیاس لیکرت و به صورت ۴ گزینه‌ای بوده و بدون توجه به بار منفی یا مثبت هر سوال از (۳-۲-۱-۰) نمره می‌گیرند و گزینه‌ها به ترتیب عبارتند از (کاملاً درست، درست، نادرست و کاملاً نادرست) و نمره این پرسشنامه از صفر تا ۱۴۱ می‌باشد. اعتبار این پرسشنامه در پژوهش مهدویان به روش بازآزمایی برای گروه مردان ۹۷٪ و برای گروه زنان ۹۹٪ گزارش شده است.

## ۲- پرسشنامه منبع کنترل راتر

در این پژوهش، برای سنجش منبع کنترل از مقیاس منبع کنترل درونی - بیرونی راتر استفاده شده، این مقیاس در سال ۱۹۶۶ توسط راتر تدوین و طراحی گردید. این مقیاس از ۲۹ ماده تشکیل یافته است هر ماده دارای دو جمله است که به صورت الف و ب طراحی شده، ۲۳ ماده جنبه‌های درونی و بیرونی منبع کنترل را می‌سنجد و ۶ ماده برای پوشیده نگه داشتن منظور آزمون طراحی شده است. (غضنفری، ۱۳۷۱) بنابراین نمره کل به دست آمده برای هر فرد بیانگر درجه و میزان کنترل درونی و بیرونی وی می‌باشد و دامنه نمرات این مقیاس از صفر تا ۲۳ متغیر است. به این صورت که نمره ۹ و بالاتر از آن در این مقیاس نشان دهنده جهت‌گیری بیرونی (منبع کنترل بیرونی) و نمره ۸ و زیر آن، بیانگر جهت‌گیری درونی (منبع کنترل درونی) است (موفق ۱۳۷۵).

موفق (۱۳۷۵) برای بررسی روایی مقیاس منبع کنترل درونی - بیرونی راتر از روایی ملاک همزمان استفاده کرد و مقیاس منبع کنترل درونی - بیرونی نوویکی - استریلکند به عنوان ملاک این بررسی مورد استفاده قرار گرفت که روایی به دست آمده با روش مذکور برابر با ۶۹٪ بود. همچنین غضنفری (۱۳۷۱) مقدار ضریب پایایی را در نمونه‌های ایرانی با روش کودر ریچاردسون ۷۰٪ به دست آورده است. صبوری مقدم (۱۳۷۲) با استفاده از

روش دو نیمه کردن پایایی این مقیاس را حدود ۸۱٪ به دست آورده، موفق (۱۳۷۵) نیز ضریب پایایی مقیاس منبع کنترل را تر را با روش کودر ریچاردسون برابر با ۶۲۸٪ و با روش دو نیمه‌ای کاتمن برابر با ۶۳۴٪ و همچنین ضریب پایایی این مقیاس را با استفاده از فرمول اسپیرمن براون برابر با ۶۳۵٪ به دست آورده است.

### یافته‌های تحقیق:

#### فرضیه اول:

بین میزان رضایت زناشویی زنان (خانه دار و شاغل) دارای منبع کنترل درونی و بیرونی تفاوت وجود دارد.

جدول شماره ۱: آزمون T مستقل بین زنان دارای منبع کنترل درونی و بیرونی در مقوله رضایت زناشویی

مقوله	منبع کنترل	تعداد	میانگین	انحراف معیار	T	درجه آزادی	سطح معنادار
رضایت زناشویی	بیرونی	۷۲	۷۰/۹۷	۹/۰۹	۰/۸۹	۱۹۸	۰/۳۷
	درونی	۱۲۸	۶۹/۷۳	۹/۵۴			

بر اساس نتایج به دست آمده با توجه به اینکه مقدار T مشاهده شده (۰/۸۶) با درجه آزادی ۱۹۸ در سطح معناداری ۰/۳۷ از  $P = ۰/۰۵$  بزرگتر می‌باشد، می‌توان نتیجه گرفت که تفاوت معناداری بین دو گروه از نظر میزان رضامندی زناشویی وجود ندارد. بنابراین فرضیه صفر رد نمی‌شود. به عبارتی نتیجه گرفته می‌شود که برخلاف فرضیه تحقیق، بین زنان دارای منبع کنترل درونی و بیرونی از لحاظ میزان رضایت زناشویی تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. همچنین تفاوت مشاهده شده بین این دو را می‌توان به عوامل شانس و تصادف نسبت داد.



### فرضیه دوم:

بین میزان منبع کنترل زنان شاغل و خانه‌دار تفاوت وجود دارد.

جدول شماره ۲: توزیع فراوانی و درصد منبع کنترل زنان شاغل و خانه‌دار

زنان شاغل		زنان خانه‌دار		گروه
درصد فراوانی	فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی	متغیر - شاخص‌ها
۷۴/۳	۷۵	۵۲/۵	۵۳	منبع کنترل درونی
۲۵/۷	۲۶	۴۵/۵	۴۶	منبع کنترل بیرونی

جدول شماره ۳: آزمون T مستقل برای زنان شاغل و خانه‌دار در مقوله منبع کنترل

مقوله	شغل	تعداد	میانگین	انحراف معیار	T	درجه آزادی	سطح معنادار
منبع کنترل	خانه‌دار	۹۹	۷/۹۰	۳/۶۳	۲/۰۹	۱۹۸	۰/۰۳
	شاغل	۱۰۱	۶/۸۷	۳/۳۶			

بر اساس نتایج به دست آمده با توجه به اینکه مقدار T محاسبه شده با درجه آزادی ۱۹۸ در سطح معناداری ۰/۰۳ از  $P = ۰/۰۵$  کوچکتر است، می‌توان نتیجه گرفت که بین زنان شاغل و خانه‌دار از لحاظ میزان منبع کنترل تفاوت معناداری وجود دارد و زنان خانه‌دار نسبت به زنان شاغل (معلمان) دارای منبع کنترل بیرونی‌تری هستند.

فرضیه سوم ۳:

بین میزان رضایت زناشویی زنان شاغل و خانه‌دار تفاوت وجود دارد.

جدول شماره ۴: توزیع فراوانی و درصد فراوانی میزان رضایت زناشویی زنان خانه‌دار و شاغل

میزان رضایت متغیر		زیر ۴۰		۴۰-۶۰		۶۰-۷۰		۷۰ به بالا		جمع کل	
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
۰	۰	۱۲	۱۲/۱۲	۳۷	۳۷/۳۷	۵۰	۵۰/۵۰	۹۹	۴۹/۵	۰	۰
۱	۰/۹۹	۱۲	۱۱/۸۸	۵۲	۵۱/۴۸	۳۶	۳۵/۶۴	۱۰۱	۵۰/۵	۱	۰/۹۹
۱	۰/۵	۲۴	۰/۱۲	۸۹	۴۴/۵	۸۶	۰/۴۱	۲۰۰	۰/۵	۱	۰/۵

جدول شماره ۵: آزمون T مستقل برای زنان شاغل و خانه‌دار در مقوله رضایت زناشویی

مقوله	شغل	تعداد	میانگین	انحراف معیار	T	درجه آزادی	سطح معنادار
منبع کنترل	خانه‌دار	۹۹	۷۱/۶۴	۹/۶۲	۲/۲۱	۱۹۸	۰/۰۲
	شاغل	۱۰۱	۶۸/۷۴	۸/۹۴			

همچنان که جدول شماره ۵ نشان می‌دهد، با توجه به اینکه T مشاهده شده با درجه آزادی ۱۹۸ در سطح معناداری ۰/۰۲ از  $P = ۰/۰۵$  کوچکتر است، می‌توان ادعا کرد که بین رضایت زناشویی زنان شاغل و خانه‌دار تفاوت معنی‌دار وجود دارد. بدین معنی که رضایت زناشویی زنان خانه‌دار بیش از رضایت زناشویی زنان شاغل است.

## بحث و نتیجه گیری:

پژوهش حاضر به منظور بررسی و مقایسه منبع کنترل و رضایت زناشویی در بین زنان شاغل و خانه‌دار انجام گرفته است. فرضیه‌های این تحقیق عبارتند از:

۱- بین میزان رضایت زناشویی زنان (خانه‌دار و شاغل) دارای منبع کنترل درونی و بیرونی تفاوت وجود دارد.

۲- بین میزان منبع کنترل زنان شاغل و خانه‌دار تفاوت وجود دارد.

۳- بین میزان رضایت زناشویی زنان شاغل و خانه‌دار تفاوت وجود دارد.

۴- با افزایش مدت ازدواج، سن، تعداد فرزندان و درآمد خانواده میزان رضایت زناشویی زنان تغییر می‌یابد.

فرضیه اول که به بررسی تأثیر منبع کنترل درونی و بیرونی بر میزان رضایت زناشویی زنان پرداخته است، از لحاظ آماری معنادار نبود؛ به عبارتی می‌توان گفت که بین میزان رضایت زناشویی زنان دارای منبع کنترل درونی و بیرونی تفاوت معناداری وجود ندارد. همسو با یافته‌های این تحقیق می‌توان به تحقیق هوگان یون مین (۱۹۹۳) که معتقد است دوستی و یگانگی زن و شوهر تنها عامل مهم و برجسته رضایت از زناشویی در زنان و مردان است، اشاره کرد. در حقیقت در تبیین فرضیه فوق می‌توان گفت که رضایتمندی زناشویی بدین معنا است که زوجین از زندگی مشترک خود در جوانب مختلف احساس خشنودی دارند. لازم به یاد آوری است که در توجیه عدم تفاوت معنی دار بین زنان دارای منبع کنترل درونی و بیرونی در مقوله رضایت زناشویی، می‌توان به این نکته اشاره کرد که رضایتمندی از زندگی زناشویی تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار دارد که منبع کنترل تحت الشعاع آن قرار گرفته، از جمله این عوامل می‌توان به احترام شوهر، توافق در معاشرت‌ها، رضایتمندی زن از امور جنسی و... اشاره کرد.

فرضیه دوم به بررسی تفاوت موجود بین منبع کنترل زنان شاغل و خانه‌دار پرداخته است و با توجه به اینکه  $T$  مشاهده شده.  $(2/09)$  با درجه آزادی ۱۹۸ در سطح معناداری  $0/03$  از  $P = 5\%$  کوچکتر است همچنین نتایج جدول شماره (۳) نیز نشان می‌دهد که میانگین منبع

کنترل زنان خانه‌دار (۷/۹) نسبت به میانگین منبع کنترل زنان شاغل (۶/۸۷) بیشتر است. بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت که این تفاوت از لحاظ آماری معنادار بوده و زنان خانه‌دار دارای منبع کنترل بیرونی تری هستند. در تصدیق نتایج به دست آمده در این فرضیه می‌توان به پژوهشی اشاره نمود که در آن نیز به مقایسه منبع کنترل افراد شاغل و غیرشاغل پرداختند؛ از جمله کتاب (۱۹۸۹) به نقل از حسن شاهی (۱۳۷۸) در طی تحقیقات خود به این نتیجه رسید که اشتغال در مقایسه با عدم اشتغال موجب افزایش کانون کنترل درونی می‌شود.

فرضیه سوم به بررسی میزان تفاوت موجود بین رضایت زناشویی زنان شاغل و خانه‌دار پرداخته است و همانطور که جدول شماره (۵) نشان می‌دهد میانگین رضایت زناشویی زنان خانه‌دار (۷۱/۶۴) نسبت به میانگین رضایت زناشویی زنان شاغل (۶۸/۷۴) بیشتر است و با توجه به اینکه T مشاهده شده نیز از لحاظ آماری معنادار بوده می‌توان چنین نتیجه گرفت که زنان خانه‌دار دارای رضایت بیشتری از زندگی زناشویی خود هستند. همسو با یافته این فرضیه می‌توان به مطالعه هال (۱۹۹۶) اشاره کرد. وی معتقد است که با افزایش سنگینی نقش در زنان شاغل، نارضایتی‌های زناشویی نیز فزونی می‌یابد. علاوه بر این (برک و ویر ۱۹۹۶) به نقل از حسن شاهی (۱۳۷۸) نیز دریافته که زنان شاغل در زندگی زناشویی‌شان نسبت به زنان غیرشاغل رضایت کمتری دارند. با توجه به تحقیقات ذکر شده می‌توان چنین نتیجه گرفت که اشتغال زنان از جمله عواملی است که بر جریان خانواده تأثیر می‌گذارد و روابط زن و شوهر و فرزندان را دگرگون می‌سازد، به نظر محقق عواملی که باعث می‌شود زنان شاغل و خانه‌دار از لحاظ رضایت زناشویی با هم متفاوت باشند عبارتند از:

۱- با وجود اینکه حضور فعال داشتن در اجتماع و ارتباط داشتن با مردم، زنان شاغل را از حالت محدود بودن و گوشه‌گیری خارج می‌کند اما آنان را مجبور می‌کند در شرایط خاصی، ابراز وجود کنند، تصمیم بگیرند و نقشهای مختلفی را ایفا کنند، علاوه بر این دگرگونی نقشهای اجتماعی و خانوادگی زنان شاغل باعث ایجاد تنش و فشارهایی در آنها شده که در نهایت باعث کاهش میزان رضامندی از زندگی زناشویی می‌شود.

همچنین نتایج این تحقیق حاکی از این است که هر چند بین مدت ازدواج، میزان درآمد

خانواده، افزایش سن، تعداد فرزندان و رضایت زناشویی تأثیر معناداری به دست نیامد، اما اختلاف بین میانگین‌ها و تأثیراندک آنها کاملاً مشهود است، در مورد مدت ازدواج نتایج نشان می‌دهد که با افزایش سالهای ازدواج، میزان رضایت زناشویی افزایش می‌یابد. چراکه در ابتدای ازدواج، زوجین به تفاوت‌های یکدیگر پی برده و این موضوع زمینه لازم را برای ابراز نارضایتی فراهم می‌آورد، اما در طی سالهای بعد، زوجین به تدریج به این نتیجه می‌رسند که در بسیاری از مسائل با یکدیگر به تفاهم برسند؛ لذا از زندگی راضی‌تر می‌شوند. در مورد درآمد خانواده افزایش سن و میزان رضایت زناشویی نیز در این تحقیق تأثیر معناداری به دست نیامد.

در جهت تأیید این فرضیه می‌توان به تحقیق طالبی (۱۳۷۸) مبنی بر اینکه افزایش درآمد بر میزان رضایت زناشویی تأثیری ندارد اشاره کرد، همچنین مطالعات جلیلی (۱۳۷۵) نیز نشان می‌دهد که افزایش سن تأثیری در رضامندی زناشویی ندارد. علاوه بر این مطالعه (بران هافر ۱۹۹۶ به نقل از حافظ شرباف ۱۳۷۹) نشان می‌دهد که زنان به علت سازگاری و پذیرش فرزندان خود، تحت تأثیر افزایش تعداد فرزندان قرار نمی‌گیرند.

امروزه با وجود پیشرفت علم و تکنولوژی، حضور زنان در جامعه بیشتر از گذشته به چشم می‌خورد. با این وجود از مسؤولیتهای ایشان در منزل هم کم نشده و توقعات از آنها به عنوان یک زن خانه‌دار و مسؤول چه از طرف خانواده و چه از طرف جامعه به قوت خود باقی است؛ همچنین ماندن زن در خانه و رسیدگی صرف به امور منزل می‌تواند آسیب زیادی به بافت خانوادگی و شخصیت زن خانه‌دار وارد سازد.

به نظر می‌رسد که مهمترین کاری که در این زمینه می‌توان انجام داد ایجاد فرصت‌هایی برای زنان خانه‌دار به منظور شرکت هر چه فعالتر در اجتماع و ایجاد نگرش مثبت در خانواده مبنی بر فعال بودن زن در عرصه خانوادگی است که می‌تواند ویژگی‌های مثبت شخصیتی را در آنها بالا برده و باعث ایجاد عزت نفس و اعتماد به نفس بیشتری در آنان شود.

الزام به ایجاد محلهایی برای مراقبت از کودکان در هر ارگان و سازمانی و داشتن فرصتهای کوتاه برای ترک محل کار و سرکشی به فرزندان می‌تواند زمینه ساز بهداشت روانی

بیشتر زنان شاغل باشد. همچنین پیشنهاد می‌شود که ادارات و سازمانها با ایجاد انعطاف در ساعات کار زنان شاغل و ملزم نکردن آنها که پایه پای مردان، ساعات خاصی را فعالیت کنند. روحیات، مشکلات و نقشهای چندگانه زنان شاغل را در نظر گرفته تا بدین وسیله از میزان فشار روانی حاصل از کار بر آنها جلوگیری کنند.

### منابع

- جلیلی، ف. (۱۳۷۵). بررسی و مقایسه عوامل مؤثر در رضامندی زنان شاغل و خانه دار از زندگی زناشویی. پایان نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- حافظ شهرباف، ر. (۱۳۷۹). مقایسه ویژگی‌های شخصیت زنان متأهل شاغل و خانه‌دار شهرستان مشهد و ارتباط این ویژگی‌ها با رضامندی زناشویی. پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره. تهران: دانشگاه الزهراء.
- حسن شاهی، م. (۱۳۷۸). بررسی رابطه کانون کنترل با سازگاری زناشویی همسران شاغل در آموزش و پرورش شهرستان شیراز. پایان نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی. تهران: دانشگاه اصفهان.
- سلیمان‌نژاد، ا. (۱۳۷۹). بررسی رابطه منبع کنترل و خود تنظیمی با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان پسر سال سوم دبیرستان رشته ریاضی تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی. تهران: دانشگاه تربیت معلم.
- سلیمانیان، ع. ا. (۱۳۷۳). بررسی تأثیرات تفکرات غیرمنطقی بر اساس رویکرد شناختی بر نارضایتی زناشویی. پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره. تهران: دانشگاه تربیت معلم.
- شبانجی حصار، ح. (۱۳۷۹). بررسی رابطه بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی زوجین با میزان رضامندی از زندگی زناشویی. پایان نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- صبوری مقدم، (۱۳۷۴). بررسی رابطه منبع کنترل و سلامت روان. پایان نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی. تهران: انستیتوی روانپزشکی.

طالبی، ز. (۱۳۷۸). ارتباط رضایت شغلی، خویشتن پنداری شغلی با رضامندی از زندگی زناشویی. پایان نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.

غضنفری، ا. (۱۳۷۱). مقایسه منبع کنترل و میزان افسردگی گروه جانباز، معلولین عادی و افراد عادی. پایان نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

موفق، خ. (۱۳۷۵). هنجاریابی مقیاس منبع کنترل درونی - بیرونی راتر (I-E) در شهر مشهد. پایان نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.

- Agostini, P. and Spanhol, R. (۱۹۹۳). Locus of control and marital satisfaction. *Journal Psychology*, 24, ۱۴-۲۴.
- Hall, D. (۱۹۹۶). Marriage as a pure relationship. *Journal of Comparative Family Studies*, 27, ۱-۱۲.
- Sacco, W. (۱۹۹۳). Attributional, perceptual and affective responses to depressed and nondepressed marital partners. *Index of Psychology*, 46.